

صورت‌بندی مولدهای انعطاف‌پذیری خانه‌های اعیانی بر اساس تحولات گفتمان جنسیتی دوره قاجار (مورد پژوهشی: خانه‌های اعیانی قزوین)

مه‌دخت کیائی^۱، حسین سلطان‌زاده^{۲*}، مریم ارمغان^۳، علی‌اکبر حیدری^۴

^۱ دکتری معماری، گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران.
^۲ استاد، گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. نویسنده مسئول.
^۳ استادیار، گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران.
^۴ استادیار، گروه معماری، دانشکده فنی و مهندسی، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران.

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۹/۱۲/۰۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۸/۲۶

چکیده

انعطاف‌پذیری، پاسخی برای رفع نیازهای مختلف ساکنین خانه در زمان‌های گوناگون می‌باشد. در واقع این نیازها هستند که برای رفع آن‌ها قابلیت تغییرات بالقوه در بُن نظام‌های فعالیت و فضایی خانه‌ها، بروز پیدا می‌کنند و بالفعل می‌شوند؛ در پژوهش پیش‌رو این دلیل بروز انعطاف‌پذیری، مولدهای انعطاف‌پذیری نامیده می‌شود. هدف اصلی بررسی دگرگونی مولدهای انعطاف‌پذیری بر اساس تحولات گفتمان جنسیتی (روابط فرهنگی میان زنان و مردان) در خانه‌های اعیانی قاجاری می‌باشد و بنابراین سوال اصلی پژوهش این است که: مولدهای انعطاف‌پذیری خانه‌های اعیانی بر اساس تحولات گفتمان جنسیتی در میانه دوره قاجار چگونه صورت‌بندی یافته‌اند؟ روش تحقیق از نوع کیفی و با روش‌های تحقیق توصیفی تحلیلی، تفسیری تاریخی و پدیدارشناسانه است؛ درگام نخست بازتاب تحولات گفتمان جنسیتی در خانه‌های اعیانی دوره قاجار معرفی شده است و سپس مولدهای انعطاف‌پذیری بر اساس ویژگی‌های خانه‌های اعیانی از میان کتب و منابع معتبر تاریخی شناسایی و مورد تحلیل قرار گرفته‌اند. سپس با استفاده از روش تحقیق پدیدارشناسانه به بررسی مصداقی تحولات مولدهای انعطاف‌پذیری در شش خانه اعیانی قزوین با استفاده از نتایج مصاحبه‌های عمیق با ساکنان آن خانه‌ها و بررسی منابع معتبر تاریخی پرداخته شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهند نظام‌های فعالیت و فضایی که پیش از تحول گفتمان جنسیتی، مولدهای انعطاف‌پذیری (قابلیت بالقوه تغییرات) داشته‌اند پس از این دوره نیز کارکرد خود را حفظ نموده‌اند. به عبارتی نیازهای ساکنان خانه‌های اعیانی قاجاری حتی با تحولات روابط میان زنان و مردان در میانه آن دوران کماکان باقی مانده‌اند و این تحولات، دست‌کم در دوره قاجار نتوانسته‌اند تغییر واضحی در نیازهای ساکنان خانه‌ها ایجاد نمایند. همچنین به نظر می‌رسد تحولات گفتمان جنسیتی، نظام‌های فعالیت و فضایی خانه‌ها را محدودتر کرده‌اند اما این محدودیت، خللی بر مولدهای انعطاف‌پذیری آن‌ها وارد نکرده است. به عبارتی می‌توان چنین نتیجه گرفت که تحولات گفتمان جنسیتی، مولدهای انعطاف‌پذیری خانه‌های قبل و پس از عصر ناصری را پوشش داده‌اند.

■ **واژگان کلیدی:** گفتمان جنسیتی، مولدهای انعطاف‌پذیری، دوره قاجار، خانه‌های قزوین.

* نویسنده مسئول: E-mail: h72soltanzadeh@gmail.com

این مقاله برگرفته از رساله دکتری نویسنده اول با عنوان "بازتاب تحولات گفتمان جنسیتی دوره قاجار بر انعطاف‌پذیری نظام‌های فعالیت و فضایی خانه‌های اعیانی (مطالعه موردی: خانه‌های اعیانی قزوین)" می‌باشد که به راهنمایی نویسنده دوم و مشاوره نویسندگان سوم و چهارم در دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین انجام شده است.

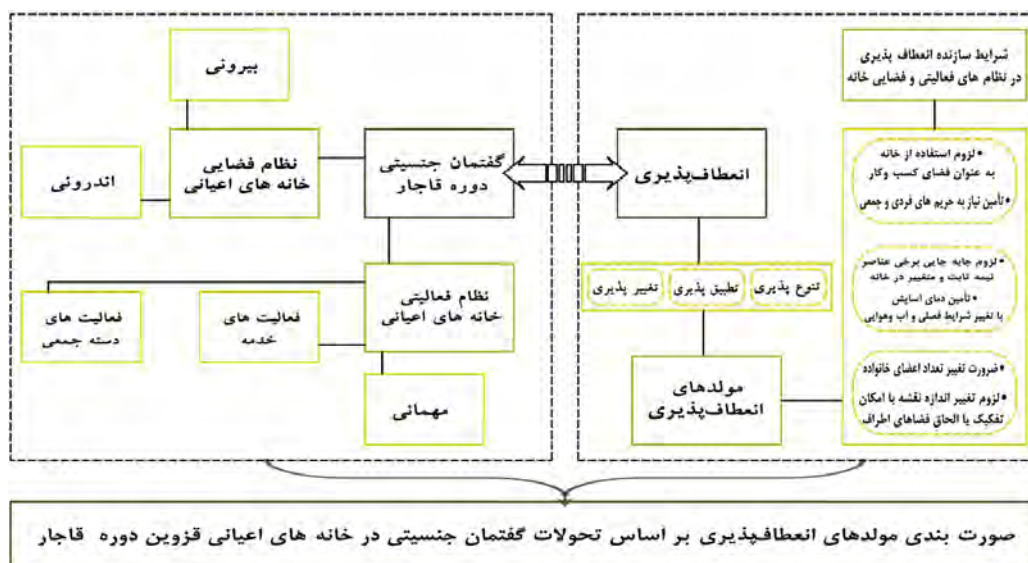
مقدمه

صد و سی سال تاریخ دوره قاجار (از حدود سال ۱۱۷۳ تا ۱۳۰۴ ه.ش.) با تحولات فرهنگی چشمگیر همراه بوده که عوامل داخلی و خارجی در آن نقش داشتند. در این دوره ایران با جهان غربی مدرنی ارتباط برقرار نمود که این شکل رابطه تا پیش از آن وجود نداشت. این ارتباط که از دارالسلطنه تبریز و متأثر از حرکت‌های نوخواهانه عباس‌میرزا (۱۱۶۷-۱۲۱۲ ه.ش.) آغاز گردید^۱ در عصر ناصری به اوج خود رسید. حضور متعدد زنان و مردان اروپایی در کشور، سفر و اعزام به تحصیل تعدادی از ایرانیان (عمدتاً در خانواده‌های اعیان) به فرنگ و سه سفر مهم شاه ناصری را می‌توان از جمله زمینه‌های ارتباط فرهنگی ایران با مغرب‌زمین برشمرد. این برقراری ارتباط ایران و اروپا و آشنایی و مقایسه فرهنگ‌های رایج ایرانی و اروپایی به‌مرور سبب ایجاد گفتمان انتقادی نسبت به برخی آداب رایج در ایران گردید که روابط رایج میان زنان و مردان ایرانی، در دسته این قبیل فرهنگ‌ها جای می‌گیرند. روابط میان زنان و مردان در آغاز دوره قاجار با همان شیوه کهن و اغلب بر پایه ارتباط میان هم‌جنسان با یکدیگر استوار بود و برخی نظام‌های فعالیتی و فضایی نیز به‌تأثیر از آن با مرزبندی‌های قوی میان زنان و مردان ساماندهی شده بودند. در اواخر قرن نوزدهم با ورود گفتمان مدرنیته به کشور که تعامل میان زن و مرد با یکدیگر را طبیعی قلمداد می‌کرد، ایرانی‌ها متوجه شده بودند برخی کردارهای جنسی و عشق مرد بالغ به مرد که در ایران متداول بود از دید اروپاییان یک فرومایگی در اخلاق محسوب می‌شد. این بازنگری در روابط فرهنگی جدید میان زنان و مردان، وارد عرصه خانه‌ها نیز شده و نظام‌های فعالیتی و فضایی متأثر از این فرهنگ را تحت دگرگونی قرار داد. ضمن آنکه در بُن این نظام‌های فعالیتی و فضایی و تحولات صورت گرفته در آن‌ها، انعطاف‌پذیری نیز به‌چشم می‌خورد که برای رفع برخی نیازهای ساکنین در زمان‌های مختلف بروز پیدا می‌کند. بر همین اساس این پژوهش در جستجوی تحولات انعطاف‌پذیری نظام‌های فعالیتی و فضایی خانه‌هایی است که تحت تأثیر گفتمان جنسیتی دوره قاجار شکل گرفته بودند. ضمن آنکه تلاش می‌کند تحولات فرهنگی روابط زنان و مردان ایرانی را در بستر اجتماعی همان دوره ارزیابی کند و به‌دنبال دستیابی به مشخصه‌هایی در نظام‌های فعالیتی و فضایی خانه‌هاست که بر پایه گفتمان‌های جنسیتی شکل گرفته بودند. در اینجا خاطر نشان می‌شود اغلب گزارش‌ها و پژوهش‌های رسیده از خانه‌های قاجاری قزوین که جریان نوگرایی و الهام‌گیری از غرب در آن‌ها محسوس است مربوط به «ویژگی‌ها و تحلیل‌های کالبدی» از بناهاست. درحالی‌که پژوهش درباره «سبک زندگی»^۲ در این خانه‌ها موضوعی است که خلا آن همواره در بررسی پژوهش‌های یاد شده دیده می‌شد و بنابراین پژوهش پیش‌رو از این جهت نیز بدیع است. سوال اصلی پژوهش این است که مولدهای انعطاف‌پذیری خانه‌های اعیانی متأثر از تحولات گفتمان جنسیتی در میانه دوره قاجار چه‌گونه صورت‌بندی یافته‌اند؟

روش پژوهش

روش‌های تحقیق توصیفی تحلیلی، تفسیری تاریخی و پدیدارشناسانه می‌باشد. بدین ترتیب که با روش تاریخی، فرهنگ روابط میان زنان و مردان قاجار مورد بررسی و تفسیر قرار گرفته است. در ادامه با روش توصیفی تحلیلی بازتاب گفتمان جنسیتی در جامعه دوره قاجار خانه‌ها به‌صورت توصیفی مورد تحلیل قرار گرفته است. در ادامه و برای بررسی نمونه موردی، به‌جهت آگاهی از سبک زندگی در خانه‌ها نیز با روش تحقیق پدیدارشناسانه، مصاحبه‌های عمیق در قالب پرسشنامه مدون با فرزندان خاندان‌های اعیانی انجام شده است. در این روش تحقیق، بررسی ۴ تجربه زیسته (شده) شامل: فضای زیسته، زمان زیسته، روابط زیسته و بدن زیسته مد نظر می‌باشد که

بخش‌های «فضای زیسته و روابط زیسته» مورد استفاده این پژوهش قرار گرفته است. بدین معنی که از فضاها و روابط جاری در خانه‌های اعیانی قاجار براساس اظهارات ساکنین سابق آنجا در یک ارائه توصیفی، تفسیر و تاویل شده‌اند. بنا بر این توضیحات گفتمان جنسیتی در دوره قاجار بر خانه‌ها متغیر مستقل و انعطاف‌پذیری، متغیر وابسته پژوهش پیش‌رو است که هر یک دارای مولفه‌هایی هستند؛ تصویر ۱ رابطه بین این دو متغیر و مولفه‌های آن را نشان می‌دهد.



تصویر ۱. روابط میان متغیرهای پژوهش و مولفه‌های آن (نگارندگان)

■ مبانی نظری

■ گفتمان جنسیتی دوره قاجار و بازتاب آن در خانه‌ها

در آغاز دوره قاجار، گفتمان جنسیتی یا فرهنگ روابط میان زنان و مردان با یکدیگر و با همجنسانشان با همان شیوه کهن که اغلب بر پایه ارتباط میان همجنسان با یکدیگر استوار بود، ادامه داشت. زنان در اندرونی وقت خود را با یکدیگر و بدون حضور مردی می‌گذراندند، از سمت کوچه و خیابان هیچ پنجره‌ای دیده نمی‌شد تا زنان از چشم غریبه‌ها محفوظ باشند. اغلب مردان نیز در بیرونی و در اجتماع، بیشتر در مراوده با همجنسان خود بودند (کولیور رایس، ۱۳۸۳، ۱۲۳-۱۲۲). حضور زنان در خارج از خانه، با همراهی تنی چند از نوکران و ملازمان و اغلب برای انجام کارهای ضروری نظیر استحمام، زیارت اهل قبور و... انجام می‌پذیرفت. حتی برخی اماکن، خاص زنان بود و مردان حق ورود بدان جا را نداشتند (دلریش، ۱۳۷۵، ۲۹). در خانه‌های بزرگ، اتاق‌های خاص مردان و زنان کاملاً مجزا بوده و در بیشتر موارد در حیاطی جداگانه قرار داشتند. بیرونی، محل پذیرایی مهمانان مرد و کارهای اداری و ملکی آن‌ها بوده و اندرون محل زندگی خانواده محسوب می‌شد (اتحادیه و فرمان، ۱۳۹۱، ۱۵۵-۱۵۶). متصل به حیاط و ساختمان بیرونی، قسمت اندرونی تعبیه شده بود که حیاط و ساختمان مخصوص به خود را داشته و فقط رئیس خانواده حق ورود به آنجا را داشت (بنجامین، ۱۳۹۱، ۹۲-۹۳). فضای ورودی خانه یا اصطلاحاً هشتی، به‌عنوان فضای ارتباطی و اتصال‌دهنده، در واقع تعیین‌کننده طول حرکت زنان و مردان ساکن خانه و مهمانان آن‌ها بود.

وقتی نمی‌خواستند یک شخص نامحرم به داخل خانه دید داشته باشد و نیز برای تامین حداکثر امنیت و محرمانیت سعی می‌کردند مسیر حرکت در داخل فضای ورودی را تا حد امکان طولانی کنند (سلطان‌زاده، ۱۳۷۲، ۷۶)؛ در این فضا تعیین می‌شد زنان و مردان مجاز به حرکت در کدام جهت هستند. چنین توجهی به طراحی فضای ورودی می‌تواند نشان‌دهنده اهمیت توجه به میدان حرکت زنان و مردان در خانه‌ها باشد. حیاط خانه به‌عنوان عنصری مهم در سازمان‌دهی فضایی مطرح بود که همه فضاهای دور آن را آرایش می‌داد (پیرنیا، ۱۳۷۸، ۱۶۱). همزمان با میانه دوره قاجار در قرن نوزدهم میلادی مردان ایرانی که با اروپاییان در داخل یا خارج از ایران تعامل داشتند، نسبت به اینکه امیالشان زیر نگاه موشکافانه دیگران قرار گرفته است، به‌شدت حساس شدند. تمایلات هم‌جنس‌دوستانه ایرانیان باید مخفی می‌ماند و انتقال هم‌جنس‌دوستی^۳ به زیر نقاب دگرجنس‌دوستی^۴ یکی از ویژگی‌های مدرنیته در ایران شد. طراحی که مستلزم دگرجنس‌خواهانه کردن روابط اجتماعی در فضاهای عمومی^۵ و صورت‌بندی دوباره خانواده بود. این مهم با تمایز قائل شدن میان روابط اجتماعی هم‌جنسان از هم‌جنس‌خواهی صورت پذیرفت (نجم‌آبادی، ۱۳۹۷، ۶۳ و ۷۸ و ۷۹). تحول در فرهنگ روابط میان زنان و مردان یا همان گفتمان جنسیتی در اثر ملاقات زنان و مردان ایرانی و اروپایی، مسافرت‌های ایرانیان به اروپا و آگاهی از سبک زندگی و افکار مردمان اروپا حاصل شد. در این عصر حضور مردان اروپایی در قالب‌های سفیر، گردشگر، شرق‌شناس و... به‌همراه همسرانشان در ایران تا آنجا پیش رفت که آن‌ها می‌توانستند با اعضای خاندان سلطنتی و زنان حرم ملاقات‌هایی داشته باشند. این دگرگونی فرهنگی در خانه‌ها نیز موثر بوده چنانکه مرزبندی‌های دقیق اندرونی و بیرونی که فضا را زنانه و مردانه می‌کردند به‌مرور کمرنگ شده و مردان اجازه حضور در اندرون را یافتند. زنان نیز بدون همراهی خواجگان و یا ملازمان می‌توانستند در جامعه حاضر شود و ملاقات‌هایی با مردان داشته باشند. زنان اعیانی نیز در عمارت با مردان اختلاط می‌کردند و یا مردان به دیدن آنان می‌آمدند (اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۰، ۷۷۲-۸۶۵). حرم که یادگار جامعه سنتی بود و حریمش همواره باید محفوظ می‌ماند، با تغییرات جامعه، دگرگونی و تغییر وضعیت تدریجی را تجربه می‌کرد (اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۰، ۶۷). طولانی‌تر شدن مدت حضور مردان در خانه رفته‌رفته موجب گردید آن‌ها در برخی فعالیت‌های دسته‌جمعی که تا پیش از آن تنها زنان انجام می‌دادند شرکت کنند. همچنین برداشته شدن منع حضور مردان غریبه در خانه باعث شد برخی فعالیت‌های اقتصادی از بیرونی به اندرونی خانه منتقل شده و ملاقات‌ها و قرارهای کاری مردان در بخشی از اندرونی انجام پذیرد. عناصر ثابت و نیمه‌ثابت در نظام فضایی خانه‌های این دوره نیز متأثر از فرهنگ تحول یافته گفتمان جنسیتی و تغییر فعالیت زنان و مردان در خانه، رفته‌رفته دگرگون شدند؛ چنانکه تحت تاثیر مرادفات زنان درباری با زنان فرنگی تغییرات ظاهری مانند تغییر در لباس زنان اندرون، استفاده از پارچه‌های فرنگی، استفاده از اشیاء و لوازم فرنگی چون میز، صندلی، مبلمان و وسایل تزئینی در گزارش‌های فرنگیان به چشم می‌خورد (عاملی رضایی، ۱۳۸۹، ۱۲۰-۱۲۱). اگرچه مبلمان تازه‌وارد، پرده و تخت‌خواب تا مدت‌ها بیشتر جنبه تزئینی داشته است (mahdavi, 1999, 653). با امکان حضور مردان غریبه در اندرونی، مراجعان و مهمانان مردان خانه که تا پیش از آن در بیرونی یکدیگر را ملاقات می‌کردند، اکنون در قسمتی از اندرونی به این کار می‌پرداختند. همچنین با مذموم شمردن شیوه‌های چند همسری مردان در این دوره، عمده فضاها و حیاط‌هایی که تا پیش از آن به چند همسر اختصاص یافته بود تغییر کاربری داده و یا واگذار شدند (کیائی و دیگران، ۱۳۹۸، ۵۸-۵۵).

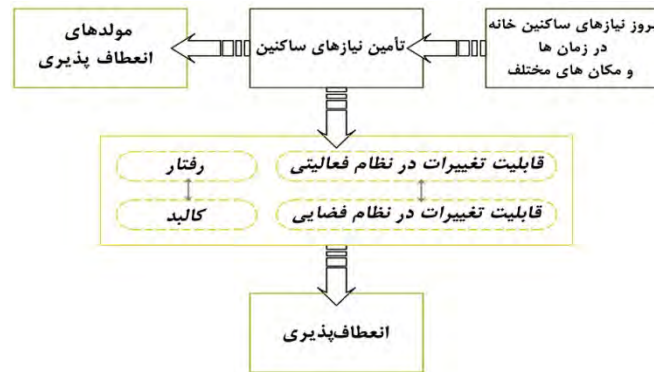
■ انعطاف‌پذیری در نظام‌های فعالیتی و فضایی خانه‌ها

انعطاف‌پذیری قابلیت‌فراگیر است که نیازهای انسان را به روش‌های فیزیکی و تطبیقی تامین می‌کند (محتشم و حمزه نژاد، ۱۳۹۴، ۵۵) و به معنی قابلیت‌تغییراتی است که برای رفع نیازهای کاربران، می‌تواند هر دو حوزه فعالیت و کالبد معماری و فعالیت‌های رخ داده در درون آن را دربرگیرد. انعطاف‌پذیری مستقیم یا غیرمستقیم، به لزوم تغییر رفتار ساکنان و یا تغییر کالبدی فضا در جهت انطباق با عملکردهای مختلف استفاده‌کنندگان دلالت دارد و شامل رفتارهای جاری در خانه و همه فضاها و ساختارهای فیزیکی یا ساختمان، به جز فضاهای خدماتی (سرویس‌ها و تاسیسات) و سازه بناها می‌گردد (Schneider & Till J, 2005, 288). در کتاب محیط‌های پاسخده از بنتلی و همکاران انعطاف‌پذیری به مفهوم قابلیت‌تغییرپذیری یک سیستم است، بدون آنکه خصوصیات و پیکربندی اصلی آن دستخوش تغییری شود (Wielland & Wallburg, 2012, 890). یکی از اصول اساسی طراحی انعطاف‌پذیر جلوگیری از عدم انعطاف است. در تعریف عینی‌فر از این ویژگی، به قابلیت تغییر در اشیا و اجسام اشاره می‌شود که یکی از مفاهیم کلیدی در الفبای شکل‌گیری معماری مسکونی ایران بوده است (عینی‌فر، ۱۳۸۲، ۶۵). وی منظور از این واژه در معماری و به‌طور خاص در طراحی مسکن را انعطاف‌پذیری فضایی و سامان‌دهی فضای انسان‌ساخت و تغییر در آن برای رفع نیازها می‌داند (غفوریان و آقایی، ۱۳۹۶، ۴۳)؛ و در اشاره گروتز در چنین مسکنی، امکان تغییر فضا متناسب با نیازها آمده است. از نظر او زمانی که در یک سیستم کالبدی، بدون آن که در اصل آن یا عناصر اصلی‌اش دگرگونی حاصل گردد، امکان تغییر فضا متناسب با نیازها ایجاد می‌شود و بدین ترتیب انعطاف‌پذیری معنا می‌یابد. در تعریف مشابه دیگری، انعطاف‌پذیری به معنای قابلیت عکس‌العمل و پاسخ‌گویی در برابر تغییرات زندگی می‌باشد، تغییراتی که با منشا تغییر نیازهای انسانی شکل می‌گیرند، نه تغییرات نیروهای خارجی مانند نیروهای محیطی، مسائل انرژی و ایستایی (غروی‌الخوانساری، ۱۳۸۸، ۸۲). توجه به این نکته مهم است که در تعریف انعطاف‌پذیری، ایده انطباق در زمان مطرح می‌باشد. یعنی بنایی انعطاف‌پذیر است که می‌تواند با تغییر نیازهای کاربران در زمان‌های مختلف، سازگار گردد (زندیه و اقبالی و حصار، ۱۳۹۰، ۹۵). تعاریف ذکر شده از انعطاف‌پذیری، متمرکز بر قابلیت‌تغییراتی‌ست که در نظام فضایی خانه‌ها وجود دارد. حال آنکه بخش قابل توجهی نیازها با تغییرات نظام فعالیتی محقق می‌شود. اینکه قابلیت‌تغییرات نظام فضایی بنا جهت رفع نیازها بیش از قابلیت‌تغییرات نظام فعالیتی مورد توجه و بررسی قرار گرفته، ممکن است ناشی از آن باشد که نظام فضایی شامل عناصر ثابت و نیمه‌ثابت محیط است و بررسی امکان‌تغییرات در آن‌ها عینی و وابسته به مکان می‌باشد. حال آنکه نظام فعالیتی به‌عنوان عناصر ناپیدای محیطی تغییرات نامحسوس‌تری دارند که در طول زمان‌های گوناگون تغییر می‌کنند. پژوهش پیش‌رو تلاش می‌کند هر دو سویه انعطاف‌پذیری در نظام‌های فعالیتی و فضایی را مورد توجه قرار دهد.

■ مولدهای انعطاف‌پذیری (شرایط سازنده انعطاف‌پذیری در نظام‌های فعالیتی و فضایی خانه)

نیازها و شرایط مختلفی در زمان‌های گوناگون در خانه‌ها به‌وجود می‌آیند که برای پاسخ به آن‌ها لازم است ساکنین راه مناسبی در پیش گیرند. انعطاف‌پذیری یکی از مهم‌ترین راه‌هایی است که می‌تواند در پاسخ به شرایط مختلف خانه بروز کند. به عبارتی علت بروز انعطاف‌پذیری، رفع «نیازهای مختلف» ساکنین خانه می‌باشد و در واقع این نیازها هستند که برای رفع آن‌ها قابلیت‌تغییرات بالقوه نظام‌های فعالیتی و فضایی خانه‌ها بالفعل می‌شوند. این علل بروز

انعطاف‌پذیری «مولدهای انعطاف‌پذیری» نام دارد. این مولدها که در خانه‌های سنتی ایران به اشکال مختلفی ظاهر شده است می‌توانند در زیرمجموعه نمودهای انعطاف‌پذیری (تنوع‌پذیری^۶، تطبیق‌پذیری^۷ و تغییرپذیری^۸) قرار گیرند که به شرح زیر می‌باشند:



تصویر ۲. شکل رابطه بین نیازهای ساکنین و قابلیت تغییرات نظام‌های فعالیتی و فضایی خانه (نگارندگان)

■ لزوم استفاده از خانه به‌عنوان فضای کسب‌وکار || ◀ تنوع‌پذیری

در الگوی خانه‌های سنتی برخی از مسئولان، کارهای معمول مقام‌ها و رجال اداری و سیاسی، تمام یا بخش مهمی در بخشی از خانه خود انجام می‌شد؛ محل کار این افراد که منصب اداری اجتماعی داشتند در خانه آن‌ها و به‌طور معمول در بخشی از خانه بود که بیرونی نامیده می‌شد. از آن جهت که این موضوع برای زندگی خانوادگی آنان اشکال ایجاد نکند، از فضای هشتی یک راه دسترسی به بیرونی و یک راه متمایز به اندرونی متصل می‌شد (سلطان‌زاده، ۱۳۹۶، ۱۰۶). کارهای کوچک‌تر نظیر قالی‌بافی ممکن بود در اتاق سهدری اندرونی به‌عنوان نشیمن خصوصی خانواده (عینی‌فر، ۱۳۸۲، ۷۵) و یا در محل کوچکی از خانه به‌شکل متمایز از فضای زندگی خانوادگی (سلطان‌زاده، ۱۳۹۶، ۱۱۸) انجام پذیرد. علاوه بر این فضاهای دیگری نظیر محل کار و زندگی قاپوچی (قاطرچی) و نوکران خانه جهت فعالیت کاری و زندگیشان نیز در خانه وجود داشت. بدین ترتیب، خانه، با دو فضای بیرونی (برای کار) و اندرونی (برای زندگی)، در واقع یک واحد سکونتگاهی بود که فعالیت‌های متعدد دیگری نیز در آن جریان می‌یافت. از نیمه دوم دوره قاجار به بعد از یک سو پدید آمدن نهادهای اجتماعی، اداری و فرهنگی جدید و از سوی دیگر اهمیت یافتن خیابان، به‌عنوان مهم‌ترین مسیر دسترسی سواره و پیاده موجب شد بسیاری از فعالیت‌های غیر سکونتگاهی که در واحدها و محله‌های مسکونی صورت می‌گرفت از آن‌ها خارج شود. همچنین تحولات اقتصادی اجتماعی و چگونگی تقسیم اجتماعی کار و اشتغال و مشارکت بیشتر زنان در امور بیرون از خانه و توسعه نهادهای آموزشی و فرهنگی به‌تدریج کارکرد استراحتگاهی و سکونتگاهی خانه را بیش از پیش تقویت کرد (سلطان‌زاده، ۱۳۹۶، ۱۲۵).

■ تامین نیاز به حریم‌های فردی و جمعی || ◀ تنوع‌پذیری

در الگوی خانه‌ها برخی فضاها امکان تعاملات اجتماعی دلخواه فراهم می‌شد. هشتی به‌عنوان فضای تنظیم‌کننده حریم جمعی ساکنین خانه، ضمن ممانعت دید به اندرونی، فضای راهنمایی برای تنظیم ورود به بخش‌های مختلف خانه مثل اندرونی، بیرونی، بالاخانه و اصطبل نیز محسوب می‌شد. در حریم حیاط، افراد با یکدیگر محرم و از غیر،

بیگانه بودند (خامنه‌زاده، ۱۳۹۶، ۳۵) و این فضا به‌عنوان فضای نیمه‌خصوصی خانه، کنترل‌کننده تعداد افرادی بود که مجاز به حضور در بخش‌های اندرونی و بیرونی خانه بودند؛ بدین معنی که در یک زمان حیاط اندرونی صرفاً متعلق به اعضای خانواده و در زمان دیگر محل تجمع مهمان بوده است. توجه به حریم خصوصی خانواده تا آنجاست که در برخی موارد تنها خواجه‌ها (به‌عنوان برقرارکننده ارتباط اندرونی و بیرونی خانه) اجازه ورود به حیاط داشتند. در ظهرهای فصل تابستان از زیرزمین و در شب‌ها از بالاخانه یا مهتابی خانه‌های سنتی، جهت صرف شام یا مهمانی‌ها، استراحت و خواب استفاده می‌شد (عینی‌فر، ۱۳۸۲، ۷۵). بدین شکل زیرزمین و بالاخانه در زمان‌های مختلف تنظیم‌کننده حریم جمعی و فردی خانواده بودند.

■ لزوم جابه‌جایی برخی عناصر نیمه‌ثابت و متغیر در خانه || ◀ تطبیق‌پذیری

رفع نیاز ساکنین خانه ایجاد می‌کند برخی عناصر نیمه‌ثابت و متغیر جابه‌جا شوند تا شرایط ماندگار و مطلوب زیست در آن اتفاق بیفتد. در الگوی خانه‌های سنتی برخی ااثیه و عناصری نظیر ارسی و حوض می‌توانست در شرایط گوناگون تغییر کنند تا نیاز ساکنین برطرف شود. عبدالله مستوفی (۱۳۸۴، ۱۷۸) در کتاب خود به شرح زیر توضیح می‌دهد که فرش چند تکه چگونه نیاز ساکنین را رفع می‌کرده است: "در این وقت، فرش یکپارچه به اندازه اتاق، هیچ معمول نبود. بلکه کناره، سرانداز و میان‌فرش مرسوم بود... و این‌طور فرش با زندگی آن دوره، کمال تناسب را داشت: اول آنکه به‌جهت این‌که افتادن قدری از دو کناره و یک سرانداز بر روی میان‌فرش عیبی نداشت، و با کم و زیاد شدن روی هم‌افتادگی‌ها، کناره، سرانداز و میان‌فرش، به هر خانه‌ای می‌خورد. دوم آنکه در جارو کردن، تکان دادن و باد دادن هم راحت‌تر بود؛ زیرا هر قطعه از آن را یک نفر به‌خوبی می‌توانست حمل و نقل کند. ثالثاً در این وقت مردم همه با کرسی، خود را از سرمای زمستان محفوظ می‌داشتند و کرسی‌ها هم همیشه چاله‌ساخته‌ای از مصالح بنایی داشت که با تا زدن میان‌فرش، چاله کرسی پیدا می‌شد و با بردن خاک آن به خارج، کرسی را می‌گذاشتند و در موقع جمع کردن بساط کرسی هم، جز خاک‌ریزی و مستوی کردن چاله با باقی کف اتاق و گسترده تاخوردن میان‌فرش، زحمت دیگری وارد نمی‌آمد." با گشودن درهای ارسی ارتباط بین تالارها و با باز کردن در پنجره یا پنجره‌های ارسی ارتباط درون و بیرون خانه تامین می‌شد (میرزاده نیارق، ۱۳۹۴، ۳). این عنصر با تنوع در رنگ شیشه و نقش‌های هندسی و با گردش شبانه‌روز و تغییر تابش نور، فضاهای داخلی متنوعی را به‌وجود می‌آورد. حوض که عنصری در مرکز حیاط بود برای تلطیف هوا در فصل گرما استفاده و از فضای رویی یا کنار آن (با استفاده از تخت چوبی) برای نشستن در تابستان و کاشت گیاهان مناسب فصل بهره گرفته می‌شد (عینی‌فر، ۱۳۸۲، ۷۴). بنابراین با تغییراتی در کالبد حوض و اطراف آن، نیاز به دمای مطلوب در فصل تابستان، فضا برای گذراندن اوقات فراغت رفع می‌گردید. بدین ترتیب برخی از نیازهای ساکنین با جابه‌جایی عناصر ثابت و نیمه‌ثابت فضای خانه رفع می‌شد.

■ تامین دمای آسایش با تغییر شرایط فصلی و آب‌وهوایی || ▶ تطبیق‌پذیری

تغییر شرایط فصلی به‌ویژه در الگوی خانه‌های سنتی و با در نظر گرفتن محدودیت‌های تکنولوژیکی زمان ایجاد می‌کرد خانه در برابر نیازهای فصلی ساکنین قابل تغییر باشد. رسیدن به دمای آسایش از مهمترین مولدهای انعطاف‌پذیری در این زمینه است که به‌شکل زمستان‌نشین و تابستان‌نشین نمود می‌یافت. در بسیاری از شهرهای

مرکزی و شهرهای واقع در نواحی گرم و خشک یا سرد و خشک، نوعی عرصه‌بندی کارکردی به صورت زمستان‌نشین در جبهه شمال خانه و تابستان‌نشین در جبهه جنوبی وجود داشت و از همین رو نوعی کوچ و جابه‌جایی محدود فصلی در خانه رخ می‌داد (سلطان‌زاده، ۱۳۹۶، ۱۱۹). حیاط خانه‌های سنتی به‌عنوان کانون فعالیت‌های مختلف و عامل تقسیم‌کننده فضا، عرصه فعالیت‌های گوناگون در فصول مختلف سال بود. در فصل‌های بهار و تابستان از این فضا جهت برگزاری جشن‌های خانوادگی و محل استراحت و خواب استفاده می‌کردند (عینی‌فر، ۱۳۸۲، ۷۳). حیاط در همین فصول محل بازی بچه‌ها بوده و برخی از فعالیت‌های کارگاهی و تولیدی مثل قالببافی در آن و یا ایوان مشرف به آن انجام می‌شد. در ساده‌ترین شکل، از باغچه‌ها برای کاشتن بعضی سبزی‌ها، صیفی‌ها و درختان میوه و همچنین در مواردی برای نگهداری و پرورش مرغ و خروس نیز بهره گرفته می‌شد (سلطان‌زاده، ۱۳۹۶، ۱۳۰). حوض در حیاط خانه‌ها نیز در فصل گرما دستخوش تغییراتی می‌شد تا تامین‌کننده برخی از نیازهای ساکنین باشد. این عنصر که غالباً در امتداد محور تقارن ایوان طراحی و ساخته می‌شد در فصل تابستان موجب خنکی حیاط یا باغ خانه شده و به‌طور معمول افرادی بر روی سکو می‌نشستند. در مواردی که افراد عالی‌رتبه بودند یا به‌دلایل دیگر، از نیمکت‌ها یا نوعی صندلی‌های کوتاه یک‌نفره نیز استفاده می‌شد. در بسیاری از حوض‌ها یک فواره وجود داشت که آب آن، در حوض می‌ریخت و آب اضافی از طریق جوی یا جوی‌هایی که از حوض منشعب می‌شدند به درون جوی‌های باغ می‌رفت. بنابراین حوض خانه ضمن تلطیف هوا و ایجاد امکان تجمع در اطراف آن در فصل گرما، در برخی موارد، منبع آبیاری سایر قسمت‌های باغ نیز محسوب می‌شد (سلطان‌زاده، ۱۳۸۳، ۱۹۴). بدین ترتیب با تغییر فصل و آب‌وهوا شرایط جدیدی پدید می‌آمد که خانه در صورت داشتن انعطاف‌پذیری و قابلیت تغییرات در نظام فعالیت و نظام فضایی می‌توانست پاسخ‌گوی آن‌ها باشد.

■ ضرورت تغییر تعداد اعضای خانواده || تغییرپذیری

در خانواده‌های سنتی که تعداد اعضای آن در طول زمان دستخوش تغییراتی می‌شد، انعطاف خانه در برابر این دسته تغییرات شرایط پایدار و رضایت‌بخشی در آن پدید می‌آورد. در الگوی خانه‌های تک هسته‌ای سنتی، با کاهش جمعیت خانواده (به‌دلایلی نظیر ازدواج فرزندان) فضاهای پیرامون حیاط به چند قسمت تقسیم شده و هر یک، در اختیار یکی از فرزندان متاهل گذاشته و یا به خانواده غریبه‌ای اجاره داده می‌شد. در خانه‌های چندحیاطی نیز با بزرگ شدن فرزندان و ازدواج آن‌ها خانه گاه تا سه نسل متوالی را پاسخ‌گو بوده و هر خانواده، در فضاهای پیرامون یکی از حیاط‌ها زندگی می‌کردند؛ از طرف دیگر نیز در پاره‌ای موارد خانه‌های مجموعه‌های فامیلی به تدریج به واحدهای مستقل و تک حیاطی و قابل استفاده برای خانواده‌های با جمعیت کمتر تفکیک می‌شد (عینی‌فر، ۱۳۸۲، ۷۵). بنابراین نیازهای جدیدی که به دلیل تغییرات بعد خانوار پدید می‌آمد با انعطاف‌پذیری خانه‌ها برطرف می‌شد.

■ لزوم تغییر اندازه نقشه با امکان تفکیک یا الحاق فضاهای اطراف || تغییرپذیری

خانه‌های سنتی به دلایل گوناگون نیازمند به توسعه و یا تفکیک بودند. ازدواج فرزندان و اختصاص یک یا چند فضای مستقل به آن‌ها، بهتر شدن وضعیت مالی، کنار رفتن برخی فعالیت‌های درون خانه و در نتیجه متروک شدن فضاهای آن (نظیر متروک شدن بیرونی پس از امکان فعالیت مردان در اندرونی) از جمله دلایل نیاز ساکنین برای تفکیک یا الحاق فضای خانه بوده است. در چنین شرایطی نیز خانه می‌بایستی بتواند در برابر تغییرات اندازه خود

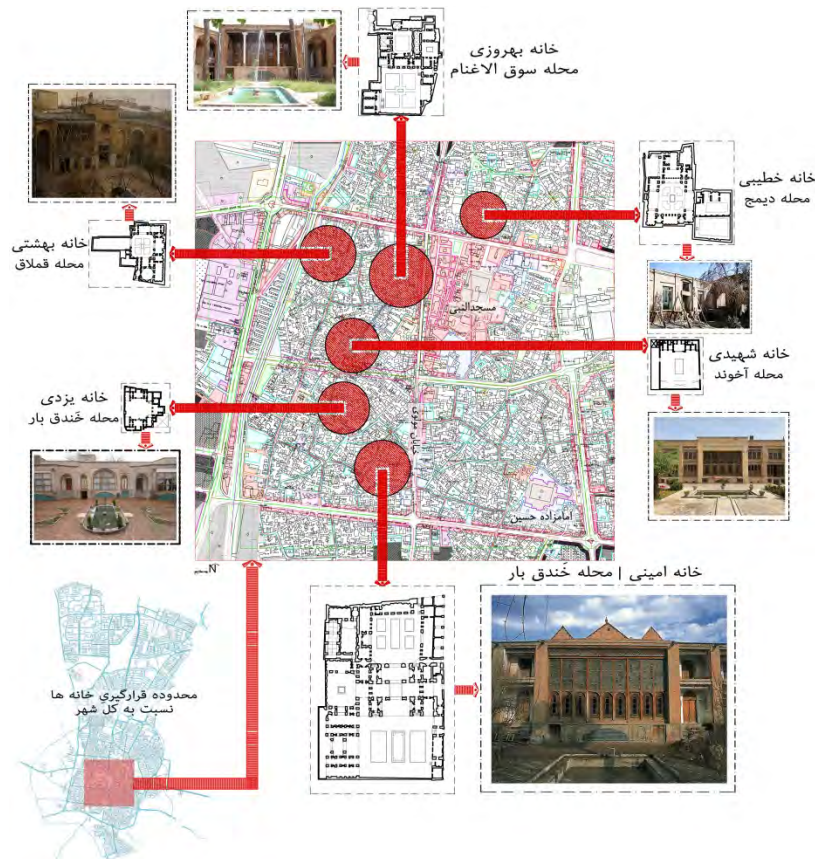
انعطاف‌پذیر باشد. در الگوی خانه‌های سنتی سیستم دیوار برابر تا حد زیادی تعیین‌کننده شکل نقشه بوده و بر همین اساس امکان جابه‌جایی دیوارها و افزایش فضا به شکل گسترده وجود نداشته و به همین دلیل با استفاده از یک الگوی عام شکل‌گیری (عینی فر، ۱۳۸۲، ۷۰)، نقشه‌های تقریباً مشابهی در طبقات پدید می‌آید (سیدین و علی‌مقدم، ۱۳۹۴، ۲۳۸). با این وجود، برخی عوامل نظیر خرید یک یا دو اتاق از خانه همسایه و اضافه کردن آن به خانه و یا جابجایی‌های محدود دیوارها موجب تغییرات در اندازه نقشه خانه‌های سنتی می‌گردید. عبدالله مستوفی (۱۳۷۱، ۶۵) در تشریح تغییرات خانه خود تحت عنوان «بنایی جدید در خانه ما» چنین توضیح می‌دهد: «... این بنایی را در همان حیاط مسکونی... شروع کردیم. یک صندوق‌خانه و یک راهرو که در سر و ته عمارت بود، به دو راهرو و مدخل تبدیل شد. زیرزمین را تغییر دادیم و یک آب‌انبار به حال سابق خود باقی ماند». وی در ادامه برای توصیف خانه پدری خود نیز چنین آورده است: «تنگی و کوچکی بیرونی سبب شد پدرم دو سه حیاط شصت_هفتاد ذری، که سمت مغرب قسمت بیرونی واقع بود و تا نصف قسمت اندرون وسط می‌آمد را خریداری کند تا در آن‌ها بیرونی وسیع‌تری بسازد». بدین ترتیب نیاز به توسعه و تفکیک خانه‌ها را می‌توان از عوامل لزوم داشتن انعطاف‌پذیری دانست.

تا بدین جا مشخص گردید گفتمان جنسیتی در نظام فعالیتی شامل فعالیت‌های دسته‌جمعی، مهمانی و فعالیت خدمه و در نظام فضایی شامل فضابندی اندرونی و بیرونی در خانه‌های اعیانی دوره قاجار می‌شود و همچنین شرایط بروز انعطاف‌پذیری یا همان مولدهای آن تشریح و تحلیل گردید. در ادامه خانه‌های اعیانی قزوین مورد بررسی قرار گرفته است تا مشخص گردد صورت‌بندی مولدهای انعطاف‌پذیری بر اساس تحولات گفتمان جنسیتی در این خانه‌ها چگونه بوده است؟

مورد پژوهشی

جامعه مورد مطالعه را خانه‌های اعیانی قزوین تشکیل می‌دهند. با توجه به اینکه «تحولات انعطاف‌پذیری نظام‌های فعالیتی و فضایی خانه از نگاه گفتمان جنسیتی دوره قاجار» مد نظر است، انتخاب خانه اعیانی از آن روست که در دوره قاجار این اعیان و نخبگان بودند که امکان سفر به فرنگ داشته و می‌توانستند از نزدیک معماری و فرهنگ مردم آنجا را مشاهده کنند (علیزاده بیرجندی، ۱۳۹۱، ۱۷۵) و از طرف دیگر اروپاییان حاضر در ایران نیز غالباً با همین طبقه اجتماعی مراوده داشتند. بنابراین طبیعی به نظر می‌رسد که هرگونه تحول در نظام فعالیتی و نظام فضایی از خانه‌های اعیانی آغاز گردد. همچنین خانه‌های اعیانی به دلیل وسعت بیشتر و زمینه‌های مالی بهتر صاحب‌خانه، امکان حضور طیف‌های متنوع‌تری از زنان و مردان را در یک خانه فراهم ساخته و گفتمان جنسیتی گسترده‌تری را شامل می‌شدند. بدین جهت مطالعه خانه‌های اعیانی برای موضوع مد نظر پژوهش مناسب‌تر می‌باشد. درباره انتخاب شهر قزوین نیز علاوه بر ظرفیت‌های معماری این شهر تاریخی، ذکر این نکته ضروری است که درباره معماری خانه‌های قزوین پژوهش‌های انگشت‌شماری انجام پذیرفته و پژوهش پیش‌رو جز نخستین گام‌ها در این زمینه است. همین جنبه بدیع، موجب گردید که دسترسی به اطلاعات درباره شیوه زندگی و کالبد خانه‌ها با شرایط ویژه‌ای امکان‌پذیر باشد و بنابراین شش ویژگی در انتخاب خانه‌ها موثر بودند: اول امکان بازدید و عکس‌برداری از خانه، دوم امکان اطلاع از قدمت بنا، سوم امکان دسترسی به اطلاعاتی درباره نظام‌های فعالیتی و فضایی خانه، چهارم امکان دسترسی به نقشه خانه و یا برداشت و ترسیم آن، پنجم امکان تشخیص بیرونی (ها) و اندرونی (ها) از

روی نقشه خانه، ششم امکان اطلاع از سلسله‌مراتب ورود به خانه و برنامه فیزیکی آن از روی نقشه. با توجه به این ویژگی‌ها تعداد ۶ خانه از میان خانه‌های اعیانی قزوین انتخاب و مشخص گردید سه خانه امینی، محمود بهشتی و خطیبی متعلق به دوره قبل ناصری و سه خانه شهیدی، بهروزی و یزدی نیز مربوط به دوره بعد از آن هستند. هسته تاریخی قزوین در ناحیه جنوبی قرار داشته و شهر از آنجا به سمت اطراف گسترش یافته است. خانه‌های مورد مطالعه در همین ناحیه واقع شده‌اند. تصویر ۳ محل قرارگیری خانه‌ها را با ذکر محلات آن نشان می‌دهد.



تصویر ۳. محدوده قرارگیری خانه‌های مورد مطالعه (پرهیزکاری و محمدزاده، ۱۳۸۵: ۱۴۰؛ بازترسیم نگارندگان)

■ گفتمان جنسیتی و تحولات آن در خانه‌های اعیانی قزوین^۹

قزوین در دوره قاجار به‌عنوان یکی از شهرهای مهم اقتصادی و فرهنگی نزدیک پایتخت نوپای ایران یعنی تهران قرار داشت این شهر به‌واسطه نزدیکی به پایتخت، از امکانات پذیرش مهمانان خارجی برخوردار بوده است. چنانکه بنا بر گزارش خانم دیولافوا (۱۳۹۰، ۱۰۵-۱۰۶) "... برای اینکه سفرای خارجه قبل از ورود به تهران محل استراحتی داشته باشند شاه مهمانخانه‌ای در قزوین ساخت". این قبیل بناها را می‌توان از جمله زمینه‌های شروع ارتباط بیشتر قزوین با اروپا دانست. این شهر به‌ویژه بعد از مشروطیت تا پایان دوره قاجار یکی از مرکزهای عمده مبادله کالا و دادوستد با روسیه به‌شمار می‌آمد (دبیرسیاقی، ۱۳۸۱، ۱۶۶۷-۱۶۶۸). این ارتباط (به‌ویژه با روس‌ها) شهر قزوین را در رابطه مستقیم با خارجی‌هایی قرار داد که به‌مرور زمان از دلایل تحول گفتمان جنسیتی در جامعه بودند. خاندان‌های اعیان شهر از اولین گروه‌هایی بودند که در تماس با خارجی‌ها و فرهنگ آن‌ها قرار می‌گرفتند.

برای نمونه: تجارت‌خانه امینی که از دوران ناصرالدین‌شاه به بعد فعال بوده با کشورهای چوچ روسیه و عراق کنونی و شهرهایی چون نجف دادوستد داشته است (دبیرسیاکی، ۱۳۸۱، ۱۶۷۲). تصویر ۴ به اختصار وقایع موثر بر تحولات فرهنگی در قزوین را نشان می‌دهد. وقایعی که هر یک سهمی در تحولات روابط فرهنگی میان زنان و مردان را داشته‌اند.



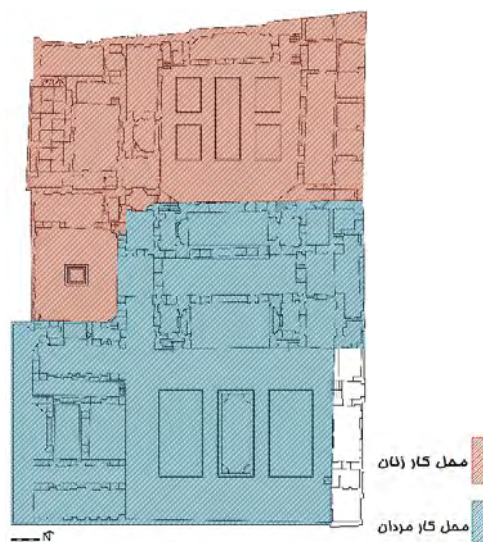
تصویر ۴. گاه‌شمار وقایع موثر بر گفتمان جنسیتی دوره قاجار در قزوین (نگارندگان)

بررسی خانه‌های اعیانی قزوین در دوران قاجار نشان می‌دهد در آغاز این دوره، بیشتر فعالیت‌های خانگی ساکنان خانه‌های قزوین نیز بر پایه حریم جمعی، به شکل گروهی انجام می‌شد. حیاط‌ها، تالارها و سایر فضاهای خانه به گونه‌ای ساماندهی شده بودند که بتوان در آن‌ها فعالیت‌ها را به صورت جمعی انجام داد. فعالیت‌ها در اندرونی به شکل جمعی و توسط زنان انجام پذیرفته و مردی در این فعالیت‌ها شرکت نمی‌کرد. اگر زنی سید بود، در مراسم عید غدیر، زنان آشنا و فامیل بدون همراهی مردی به دیدن وی می‌رفتند. اندورنی محل زندگی خانواده‌ها بوده و زنان در آنجا اوقات خود را با کار و فعالیت می‌گذراندند (کیائی و دیگران، ۱۳۹۸، ۶۱). مرزبندی دقیق کالبدی بر اساس فرهنگ گفتمان جنسیتی رایج در جامعه، در خانه‌ها برقرار بود. ژوبر در سفرنامه خود با نام "مسافرت به ارمنستان و ایران" (۱۱۸۵ ه.ش.) درباره قزوین نوشته است: "باری من به عمارت محمدعلی میرزا وارد شدم... مرا به تالار بزرگی هدایت کردند که در غایت دقت و ظرافت تزیین شده بود. شاه‌نشین صفا مانند نظیر صحنه تئاتر در قسمت عقب تالار دیده می‌شد... در میان تالار حوضی از مرمر محصور در میان گل‌ها دیده می‌شد. دورادور تالار را ایوانی فراگرفته که به حرمسرا مربوط بود. زنان می‌توانستند از آنجا و از پشت پرده‌های زنبوری به تماشای مراسم

جشن و سرور بنشینند“ (دبیرسیاقی، ۱۳۸۱، ۲۸۹). سلسله مراتب ورود به خانه‌ها یا همان هشتی به نحوی بوده که زنان و مردان در همان جا از یکدیگر جدا شده و هر یک به ترتیب وارد فضای زنانه و مردانه می‌شده‌اند. پس از دوره ناصری و با تحول گفتمان جنسیتی که روابط سنتی رایج زنان و مردان را مورد بازنگری و تحول قرار داد، فعالیت‌هایی که همچنان در حریم جمعی خانه به صورت گروهی انجام می‌شد این بار با همکاری زنان و مردان در کنار یکدیگر همراه بود. در این دوره مرز کالبدی میان اندرونی و بیرونی خانه‌ها که بر جدایی زنان و مردان از یکدیگر پایه‌ریزی شده بود، نادیده گرفته شد. بدین ترتیب شاهد تحول کارکرد نظام‌های فضایی اندرونی و بیرونی، بدون تغییر چشمگیر در کالبد آن‌ها هستیم. در این عصر شاهد خانه‌هایی هستیم که پس از ورود به آن‌ها کارکرد هشتی، که به عنوان عنصر جداکننده زنان و مردان از یکدیگر، تغییر کرده است؛ چراکه اساساً جدایی زنان و مردان از یکدیگر کمرنگ شده و به همین دلیل هشتی به عنوان عنصر جداکننده لازم نبود و اغلب آن‌ها در نسل‌های بعدی خراب شده (مثل خانه شهیدی) و یا صرفاً به عنصر شاخص ورودی تبدیل شده‌اند (نظیر خانه‌های یزدی و بهروزی). بنابراین در این عصر شاهد خانه‌هایی هستیم که نظام فضایی منطبق بر جدایی زنان و مردان از یکدیگر بوده حال آنکه نظام فعالیت آن‌ها با حضور زنان و مردان در کنار یکدیگر بوده است (گفتگوی شخصی، ۸ فروردین ۱۳۹۷).

■ مولدهای انعطاف‌پذیری در خانه‌های اعیانی قزوین

علت‌هایی که موجب بروز انعطاف‌پذیری در خانه‌ها می‌شوند یا همان مولدهای انعطاف‌پذیری در بخش ۴ پژوهش پیش‌رو در شش دسته معرفی و تشریح شده‌اند. در اینجا آن دسته از مولدهای انعطاف‌پذیری معرفی می‌شوند که در نظام‌های فعالیت و فضایی خانه‌های اعیانی قزوین وجود داشته‌اند. نظام‌هایی که تحت تاثیر گفتمان جنسیتی رایج در جامعه دوران قاجار ساماندهی شده بودند. همانطور که در بالا اشاره گردیده است، گفتمان جنسیتی از عصر ناصرالدین‌شاه به بعد متحول گردیده که این تحولات بر نظام‌های فعالیت و فضایی خانه‌های قزوین نیز تاثیرگذار بوده است.



تصویر ۵. محل کارهای جداگانه زنان و مردان در خانه امینی (پرهیزکاری و دیگران، ۱۳۸۵، ۸۵؛ بازترسیم: نگارندگان)

بنابراین بررسی بازتاب گفتمان جنسیتی بر مولدهای انعطاف‌پذیری خانه‌ها به دو بخش «قبل و بعد ناصری» تقسیم می‌شوند که در ادامه به ترتیب، اول مولدهای انعطاف‌پذیری در اوایل دوره قاجار بررسی شده و سپس همان مولدها در عصر پس از ناصرالدین‌شاه قاجار تشریح و تحلیل شده‌اند تا معلوم گردد با تحولات گفتمان جنسیتی که در عصر ناصری رخ داده، مولدهای مذکور چه تاثیراتی پذیرفته‌اند؟

■ مولدهای انعطاف‌پذیری در خانه‌های اعیانی قزوین بر اساس تحولات گفتمان جنسیتی دوره قاجار

■ لزوم استفاده از خانه به‌عنوان فضای کسب‌وکار ||◀ تنوع‌پذیری

در ابتدای دوره قاجار خاندان‌های اعیانی قزوین که غالباً تاجر بودند در بخش بیرونی خانه به کار و ملاقات با همجنسانشان می‌پرداختند. در زیرزمین خانه امینی انبار بزرگ غلات نیز تعبیه شده بود تا تخلیه بار در خانه انجام گیرد (تصویر ۵).

■ تامین حریم‌های فردی و جمعی ||◀ تنوع‌پذیری

کنترل تعاملات اجتماعی دلخواه با دیگران که «حریم» تعریف شده در خانه‌های قاجاری قزوین برقرار بوده است. تا پیش از عصر ناصری هشتی به‌عنوان فضای تقسیم، ضمن هدایت زنان به اندرونی و مردان به بیرونی با اعوجاجی که در دالان هشتی منتهی به حیاط اندرونی (به‌طور مثال در خانه‌های سید محمود بهشتی و خطیبی) وجود داشت مانع دید مستقیم به اندرونی شده و بدین ترتیب حریم اندرونی و بیرونی تنظیم می‌گردید.

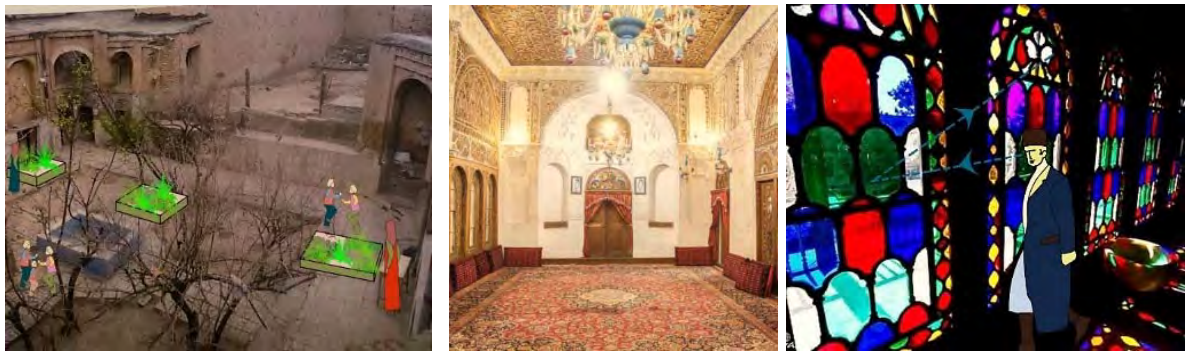


تصویر ۶. اعوجاج دالان هشتی خانه بهشتی، مانع دید مستقیم به اندرونی (پرهیزکاری و محمدزاده، ۱۳۸۵: ۱۱۱؛ بازترسیم نگارندگان)

در حریم حیاط اندرونی، زنان با یکدیگر محرم و از غیر، بیگانه بودند. این فضا به‌عنوان فضای نیمه خصوصی خانه، کنترل‌کننده تعداد افرادی بود که مجاز به حضور در بخش‌های اندرونی و بیرونی خانه بودند؛ زن‌ها زمان زیادی از وقت خود را به‌ویژه در فصل گرما در حیاط می‌گذارند. انجام فعالیت‌های دسته‌جمعی و برپایی مهمانی‌های عصرگاهی با حضور همه زنان اندرون که با بازی کودکان در حیاط همراه بود، در این فضای باز و بدون حضور مردی انجام می‌گرفت. اگر مردی پشت در خانه بود، با پاسخ وی به سوال «کیه؟»، به زن‌های داخل حیاط گفته می‌شده دور شوید مردی می‌خواهد بیاید (تصویر ۶).

■ لزوم جابه‌جایی برخی عناصر نیمه‌ثابت و متغیر در خانه || ◀ تطبیق‌پذیری

ارسی خانه‌ها به‌عنوان عناصر نیمه‌ثابت در تالارها، فضا را تفکیک یا تجمیع می‌کردند. این عنصر با تنوع در رنگ شیشه و نقش‌های هندسی، دید واضح به داخل را مسدود و به ایجاد حریمیت اندرونی کمک می‌کرد. هنگام برپایی مهمانی‌های بزرگ در خانه امینی، با پایین آمدن ارسای، حریم جمعی زنان و مردان در تالارهای جنبی تامین و تنظیم می‌شد. از آنجایی که خدمه اندرونی را زنان و خدمه بیرونی را مردان تشکیل می‌دادند، اثاثیه خانه نیز متناسب با قدرت آنان بود؛ چنانکه چند تخته فرش در سه تالار بیرونی خانه امینی (هر کدام با مساحت ۴۲ متر مربع) را خدمه مرد می‌توانسته تکانده و جابه‌جا کنند (تصویرهای ۷ و ۸).



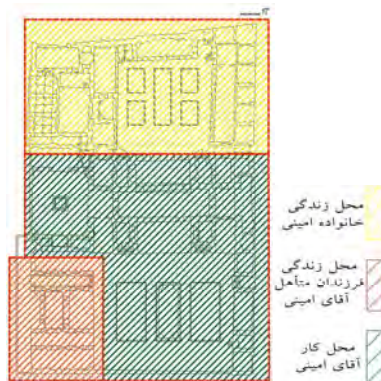
تصویر ۷. راست: شیشه‌های رنگی ارسی، مانع دید مستقیم به اندرونی؛ تصویر ۸. وسط: فرش‌های یک‌تکه خانه امینی؛ تصویر ۹. چپ: حیاط اندرونی خانه بهشتی، محل کار و اجتماع زنان و کودکان. ماخذ تصاویر ۷ و ۸: (نگارندگان، ۱۳۹۹)؛ ماخذ تصویر ۹: (چگینی، ۱۳۸۹)

■ تامین دمای آسایش با تغییر شرایط فصلی و آب‌وهوایی || ◀ تطبیق‌پذیری

حیاط اندرونی که خالی از حضور مردان بود با گرم شدن هوا محل اجتماع زنان و کودکان می‌گشت. حیاط و یا ایوان مشرف به آن، به‌عنوان بخشی از اندرونی محل برخی فعالیت‌های کارگاهی و تولیدی مثل پخت شیر، آب‌غوره‌گیری، قلاب‌دوزی و... توسط زنان بود (تصویر ۹).

■ ضرورت تغییر تعداد اعضای خانواده || ◀ تغییر‌پذیری

تا دوره ناصری که زنان در اندرونی صرفاً با همجنسانشان معاشرت داشتند، این معاشرت مدام، موجب می‌شد گاهی موجب شکل‌گیری مجادله‌های نهان و آشکاری میان زنان اندرونی می‌شد. برای جلوگیری و یا کاهش آن، معمولاً تازه‌عروس در اتاق‌های نزدیک محل زندگی مادرشوهر به‌عنوان مرکز قدرت در اندرونی اسکان داده می‌شد تا قدرت مادرشوهر او را خدشه دیگر زنان مصون بدارد. خانه‌های اعیانی قزوین در برابر نیازهایی که در اثر تغییر بعد خانوار پدید می‌آمد پاسخگو بودند. خانه‌های چند حیاطی (مثل خانه امینی و بهروزی) یکی از حیاط‌های جنبی را به خانواده جدید واگذار و خانه‌های تک حیاطی با تقسیم فضاهای پیرامون آن، فضای مورد نیاز خانواده جدید را فراهم می‌کردند (تصویر ۱۰).



تصویر ۱۰. تفکیک خانه امینی برای واگذاری به فرزندان متاهل (پرهیزکاری و محمدزاده، ۱۳۸۵: ۸۵؛ بازترسیم نگارندگان).

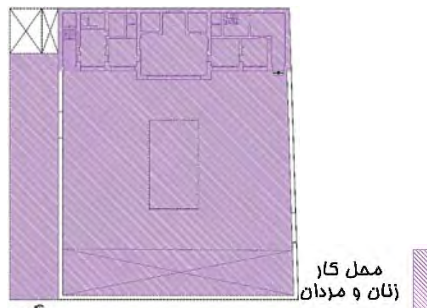
■ لزوم تغییر اندازه نقشه با امکان تفکیک یا الحاق فضاهای اطراف || تغییرپذیری

به نظر می‌رسد این مولد انعطاف‌پذیری با گفتمان جنسیتی رایج در خانه‌ها، بدین شکل ارتباط برقرار می‌کند که گاهی با ازدواج مجدد مرد، خانه برای زندگی جداگانه آن‌ها توسعه پیدا می‌کند. با این حال در بررسی خانه‌های قبل قاجار قزوین، سند نشان‌دهنده تغییر اندازه نقشه خانه‌ها یافت نشد.

■ صورت‌بندی مولدهای انعطاف‌پذیری خانه‌های اعیانی قزوین بر اساس تحولات گفتمان جنسیتی دوره قاجار

■ لزوم استفاده از خانه به‌عنوان فضای کسب‌وکار || تنوع‌پذیری

با تحولات گفتمان جنسیتی که در عصر ناصری رخ داد، امکان حضور مردان در اندرونی فراهم گردید. ملاقات‌های کاری و دوستانه مردان با دیگر زنان و مردان که تا پیش از آن در بیرونی صورت می‌گرفت، به اندرونی آورده شد. بخشی از اندرونی خانه‌های یزدی و شهیدی به همین کار اختصاص داشته است. بنابراین اگرچه فضای کسب‌وکار مردان، از بیرونی به اندرونی خانه تغییر پیدا کرده است اما همچنان خانه در برابر تامین نیاز به فضای کسب‌وکار انعطاف‌پذیر بوده است.



تصویر ۱۱. محل کار زنان و مردان در کنار یکدیگر در اندرونی خانه شهیدی (نگارندگان)

بنابراین در این فقره به نظر می‌رسد به دلیل انعطاف‌پذیری خانه‌ها با تحول گفتمان جنسیتی، همچنان به‌عنوان فضای کسب‌وکار برقرار است (ارتباط و گفتگوی شخصی، ۵ اردیبهشت ۱۳۹۷ و ۸ فروردین ۱۳۹۷) (تصویر ۱۱).

■ تامین حریم‌های فردی و جمعی || ◀ تنوع‌پذیری

در دوران پس از ناصری که مهمانی‌های خانوادگی با حضور زنان و مردان در یک مکان واقع می‌شد، حیاط می‌توانست حریم جمعی آنان را فراهم آورد. در سایر اوقات نیز ساکنین خانه با جمع شدن در حیاط، حریم جمعی کوچک خود را داشتند. چنانکه ابراهیم یزدی (۱۳۹۶، ۲۰ - ۲۱) در توصیف این حریم، در حیاط خانه پدری آورده است: "در تابستان، تخت‌ها را از روی حوض جمع می‌کردند و در صحن حیاط و در فضای جلوی قسمت مسکونی پدربزرگ، به‌صورت سکویی تا ارتفاعی هم‌سطح ایوان جلوی پنجره‌ها نصب کرده و روی آن‌ها را فرش می‌انداختند. بعضی از شب‌ها، تمام ساکنین مجتمع روی آن تخت‌ها جمع می‌شدند. در این گردهمایی‌های خانوادگی، پدربزرگ در صدر مجلس، یک‌طرف او خانم کربلایی و طرف دیگرش دختر آغا و دورتادور مجلس به ترتیب عموا، همسرانشان و فرزندان می‌نشستند". همچنین در خانه شهیدی ملاقات‌کننده‌ها به گوشواره‌ها و سایر فضاهای اطراف اشرافی داشته باشند، آن‌ها به سمت انتهایی فضا که دید کوری به اطراف داشت هدایت می‌کردند تا حریم سائیرینی که در تالار نبودند نیز تامین شود. بنابراین به‌نظر می‌رسد تحولات گفتمان جنسیتی نیاز به حریم جدیدی (متفاوت از حریم قبل تحولات گفتمان جنسیتی) را ایجاد نموده که خانه در برابر این حریم جدید نیز انعطاف‌پذیر بوده است (تصویرهای ۱۲ و ۱۳).



تصویرهای (۱۲ و ۱۳) راست: حریم حیاط اندرونی برای زنان، در خانه خطیبی؛ چپ: حریم حیاط اندرونی برای زنان و مردان، در خانه یزدی (پرهیزکاری و محمدزاده، ۱۳۸۵؛ بازترسیم نگارندگان)



تصویر ۱۴. ارسی‌های تالار بیرونی خانه امینی مانع دید مستقیم به اندرونی. (پرهیزکاری و محمدزاده، ۱۳۸۵، ۸۵؛ بازترسیم نگارندگان)

■ لزوم جابه‌جایی برخی عناصر نیمه ثابت و متغیر در خانه || ◀ تطبیق پذیری

ارسی‌های تالار(های) خانه تا پیش از عصر ناصری شرایط محرمیت اندرونی را فراهم می‌آورد. با اجازه ورود افراد غریبه به اندرونی از عصر ناصری به بعد، همچنان نیاز به حفظ حریم اعضای خانواده برقرار بود و ارسی‌ها به کمک حفظ محرمیت افراد درون تالارها از غریبه‌های داخل حیاط می‌آمدند(تصویر ۱۴).

■ تامین دمای آسایش با تغییر شرایط فصلی و آب‌وهوایی || ◀ تطبیق پذیری

حیاط اندرونی، پس از عصر ناصری محل مناسب پذیرایی از مردان و زنان در فصل گرم سال بود. همچنین مراسم عزاداری ایام محرم نیز با حضور زنان و مردان در حیاط خانه‌ها برپا می‌شد. بنابراین تحولات گفتمان جنسیتی فعالیت‌های جدیدی را ایجاد نمود که با تغییرات فصلی اتفاق می‌افتاد و خانه در برابر آن‌ها نیز انعطاف‌پذیر بوده است.

■ ضرورت تغییر تعداد اعضای خانواده || ◀ تغییر پذیری

پس از دوره ناصری، شیوه چند همسری بودن مردان، که از رسوم متداول خاندان‌های قزوین نیز ذکر شده، مورد بازنگری قرار گرفت و به مرور مردان یک همسر اختیار می‌کردند. از طرف دیگر فرزندان متاهل خانواده کمتر با خانواده پدری زندگی کرده و به مرور خانه‌های مستقل تهیه می‌کردند. با چنین شرایطی ممکن بود فضاهای پیرامون حیاط به چند قسمت تقسیم شده و هر یک، به خانواده غریبه‌ای اجاره داده شود^۱.



تصویر ۱۵. تفکیک خانه بهروزی برای واگذاری به مستاجر (پرهیزکاری و محمدزاده، ۱۳۸۵، ۱۰۱؛ بازترسیم نگارندگان)

بنابراین با ازمیان رفتن شیوه‌های چند همسری مردان، خانه‌های اعیانی که از دروان قبل از ناصر باقی مانده بودند و در برخی موارد بسیار بزرگ بودند، با تفکیک به چند قسمت، اجاره داده شده و بدین ترتیب در برابر نیازهای ساکنین، انعطاف‌پذیر بودند. برای نمونه جبهه شمال شرقی خانه بهروزی به شاگرد دکان آقای بهروزی اجاره داده شده بود(تصویر ۱۵).

■ لزوم تغییر اندازه نقشه با امکان تفکیک یا الحاق فضاهای اطراف || ◀ تغییر پذیری

خانه‌های سنتی در پاره‌ای از موارد و به دلایل گوناگون نیازمند به توسعه و یا تفکیک نقشه بودند. خانه بهروزی در چندین مرحله، توسعه نقشه به دلایل گوناگون از جمله ازدواج فرزند خانواده(ابوالقاسم بهروزی) و نیاز به فضای بیشتر داشته است. با این همه سند نشان‌دهنده توسعه نقشه خانه متأثر از تحول گفتمان جنسیتی یافت نشد.

تفسیر و تحلیل داده‌ها

روابط سنتی رایج میان زنان و مردان در جامعه ایرانی با برقراری رابطه با اروپایی‌ها مورد نقد و بازنگری قرار گرفت. زنان و مردانی که ارتباط با همجنسان خود را عادی تلقی می‌کردند و در همه‌جا، اوقات خود را با آن‌ها می‌گذراندند، با ورود گفتمان مدرنیته (که تعامل میان زن و مرد با یکدیگر را طبیعی قلمداد می‌کرد) دریافتند معاشرت زن و مرد بالغ با همجنسان خود که در ایران متداول بود، از دید اروپاییان رذیله اخلاقی محسوب می‌شد. حضور زنان و مردان در تکیه دولت، که به دستور شاه ناصری انجام گرفت، اولین شالوده‌شکنی در زمینه تفکیک فضاهای زنانه و مردانه بود. آشنایی زنان و مردان اعیانی ایرانی با زنان و مردان اروپایی در ادامه این روند قرار داشت. بدین ترتیب صاحبان قدرت در ایران به عنوان پیشگامان تحول گفتمان جنسیتی در جامعه ایران معرفی شدند.

در این دوره، خانه نیز مهمترین محل تلاقی این روابط برای مردمانی بوده است که بیشترین زمان خود را در آن می‌گذراندند. بدین ترتیب بررسی روابط زنان با زنان، مردان با مردان، و زنان و مردان با یکدیگر در نظام‌های گوناگون خانه بیانگر گفتمان جنسیتی در خانه‌های قاجاری است. بررسی سلسله‌مراتب ورود به خانه‌ها نشان می‌دهند پیش از عصر ناصری اگرچه در برخی نظام‌های فضایی، فضاهای اولیه ورود به خانه‌ها بین زنان و مردان مشترک بوده است، اما نهایتاً فضاهای اصلی به دو بخش زنانه و مردانه تقسیم می‌شده است.

پس از عصر ناصری فضاهای زنانه و مردانه مشترک شده‌اند، بنابراین آنان با ورود به خانه، وارد فضاهای مشترک زنانه‌مردانه می‌شدند. چنانکه از جدول ۱ پیداست در این شرایط اگرچه به دلیل اشتراکی شدن فضاها، از مساحت فضاهای خانه کاسته شد، ولی تعداد فضاها برای ورود به بخش‌های اصلی خانه، کاهش نیافت و سلسله‌مراتب ورود به خانه‌ها پیش و پس از عصر ناصری از برابری تعداد فضا برخوردار بوده است. ادامه زندگی در کالبد خانه‌های قبل ناصری، در دوره پس از آن، موجب جاری شدن نظام‌های فعالیتی جدید (اختلاط زن و مرد) در کالبد‌های قدیم گشته است و بدین ترتیب سلسله فضای ورودی آن‌ها کاهش نیافته است.

بررسی حیاط خانه‌های اعیانی قزوین در وهله نخست نشان می‌دهند معمولاً حیاط بزرگ‌تر متعلق به اندرونی و حیاط کوچک‌تر مربوط به بیرونی این خانه‌ها بوده است. همچنین حضور مجزای زنان و مردان با امکان اختلاط آنان در این فضا منطبق بر فرهنگ گفتمان جنسیتی حاکم بر جامعه بوده است و بنابراین می‌توان گفت اهمیت «حریم حیاط خانه» به اندازه حریم تالارها و سایر فضاهای سرپوشیده خانه بوده است؛ به نحوی که پیش از تحولات گفتمان جنسیتی، معمولاً خانه‌ها بیش از یک حیاط داشته‌اند تا به دو فضای مجزا برای حضور جداگانه زنان و مردان اختصاص یابند و پس از تحولات فرهنگی جامعه و دیدار زنان و مردان در کنار یکدیگر خانه‌ها غالباً تک‌حیاطی شده و حیاط دوم^{۱۳} و سوم و... خانه تغییر کاربری داده و یا متروک شده است. در این شرایط به دلیل آنکه حیاط اندرونی که حیاط بزرگ‌تر نیز بوده همچنان کاربرد داشته، محل برگزاری مهمانی‌های جمعی با حضور همزمان زنان و مردان، عصرنشینی‌های زنان خانه و روضه‌خوانی‌ها در فصول گرم سال بوده است.

جدول ۱. دیگرام سلسله مراتب ورود به خانه‌های اعیانی قزوین در دوره قاجار (نگارندگان)

راه‌نما	پیش از تحولات گفتمان جنسیتی
خارج از خانه	برآیند سلسله مراتب خانه‌ها پیش از تحولات گفتمان جنسیتی
فضای زنانه-مردانه	
فضای زنانه	
فضای مردانه	
۱ خارج از خانه	
۲ هشتی	پس از تحولات گفتمان جنسیتی
۳ حیاط	
۴ فضای زنانه-مردانه	
۵ فضای زنانه	برآیند سلسله مراتب خانه‌ها پس از تحولات گفتمان جنسیتی
۶ فضای مردانه	

همانطور که جدول ۲ نشان می‌دهد حیاط‌ها مساحت زیادی از خانه‌ها را به خود اختصاص داده‌اند و با توجه به اینکه پس از تحولات گفتمان جنسیتی همچنان حیاط‌های بزرگ‌تر، کارایی خود را حفظ نموده است می‌توان نتیجه گرفت که با امکان اختلاط زنان و مردان، میزان کارایی حیاط‌ها کم نشده است؛ چنانکه در فصول گرم سال در خانه امام جمعه شهیدی، زنان در کنار مردان به‌آغوشه‌گیری می‌پرداختند. حیاط با قابلیت هدایت‌کنندگی کاربران به سمت بخش‌های مختلف، از فضاهای مهم خانه به شمار می‌رفته است. نقشه خانه‌های پس از تحولات گفتمان جنسیتی

نشان می‌دهند این ویژگی، بر حیاط‌های اندرونی خانه‌های اعیانی مورد مطالعه بیش از حیاط‌های بیرونی برقرار است. به همین دلیل کم‌رونق شدن حیاط بیرونی، به دلیل حضور مردان در اندرونی، این فضا را به سمت تغییر کاربری و یا متروک شدن پیش برده؛ چراکه با حذف حیاط بیرونی خللی در دسترسی به سایر فضاهای خانه وارد نمی‌شده است. بررسی «نیازهای ساکنین» و چگونگی رفع آن‌ها در خانه می‌تواند راهنمای شناسایی این مولدها باشند.

جدول ۲. عرصه‌بندی‌های جنسیتی حیاط خانه‌های اعیانی قزوین در دوره قاجار (نگارندگان)



جدول ۳ پس از شناسایی بازتاب گفتمان جنسیتی بر نظام‌های فعالیتی و فضایی خانه‌های اعیانی قزوین، آن دسته از نیازهای ساکنین را معرفی کرده که تغییرات درونی در خود، برطرف می‌شوند.

جدول ۳. بازتاب گفتمان جنسیتی بر مولدهای انعطاف‌پذیری نظام‌های فعالیتی و فضایی خانه‌های اعیانی قزوین (نگارندگان)

نمودهای انعطاف‌پذیری	محدوده نمود‌پذیری	مصادیق	تحول گفتمان جنسیتی	مولدهای انعطاف‌پذیری
تنوع‌پذیری	نظام فعالیتی	بیرونی خانه برای کار و ملاقات مردان با همجنسانشان و اندرونی خانه برای کار و ملاقات مردان با همجنسانشان	قبل از تحول	استفاده از خانه به‌عنوان فضای کسب‌وکار
		بخشی از اندرونی برای ملاقات‌ها و کارهای مردان با دیگر زنان و مردان	بعد از تحول	
تنوع‌پذیری	نظام فعالیتی	حریم حیاط اندرونی برای زنان	قبل از تحول	ایجاد خلوت فردی و خلوت جمعی
		حریم حیاط اندرونی برای زنان و مردان	بعد از تحول	
تطبيق‌پذیری	نظام فضایی	ارسی، مسدودکننده دید واضح دیگر زنان به داخل عمارت	قبل از تحول	لزوم جابه‌جایی برخی عناصر نیمه‌ثابت و متغیر در خانه
		ارسی، مسدودکننده دید واضح مردان غریبه به داخل عمارت	بعد از تحول	
تطبيق‌پذیری	نظام فعالیتی	فعالیت زنان در حیاط اندرونی در فصل گرما	قبل از تحول	تامین دمای آسایش با تغییر شرایط فصلی و آب‌وهوایی
		حیاط اندرونی برای مهمانی و مراسم‌های مذهبی	بعد از تحول	
تغییر‌پذیری	نظام فعالیتی	تقسیم فضاهای خانه برای زوج‌های جدید خانواده	قبل از تحول	ضرورت تغییر تعداد اعضای خانواده
		اجاره فضاهای خانه به خانواده‌های غریبه	بعد از تحول	
-	-	مصدافی برای آن یافت نشد	قبل از تحول	لزوم تغییر اندازه پلان با امکان تفکیک یا الحاق فضاهای اطراف
-	-	مصدافی برای آن یافت نشد	بعد از تحول	

بر اساس جدول ۳ به‌طور کلی می‌توان دریافت «نظام فعالیتی» نسبت به «نظام فضایی» سهم بیشتری در بروز مولدهای انعطاف‌پذیری خانه‌های اعیانی قزوین داشته است؛ چنانکه «لزوم جابه‌جایی برخی عناصر نیمه‌ثابت و متغیر در خانه» به‌عنوان تنها نیاز ساکنین می‌باشد که با تغییر در نظام فضایی درونی آن‌ها برطرف می‌شوند. بقیه نیازهای ساکنین که با تغییرات درونی خود موجب رفع نیاز آن‌ها می‌شوند در محدوده نظام فعالیتی نمود می‌یابند. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت در محدوده انعطاف‌پذیری، نظام فعالیتی بیشتر از نظام فضایی در ارتباط با گفتمان جنسیتی قرار دارد.

همچنین داده‌ها نشان می‌دهند مولدهای انعطاف‌پذیری در دوران پس از تحول انعطاف‌پذیری نیز در همان چارچوب نظام فعالیتی یا نظام فضایی زنده باقی مانده‌اند. بنابراین می‌توان گفت «تحول گفتمان جنسیتی» بر مولدهای انعطاف‌پذیری نظام‌های فعالیتی و فضایی خانه‌های اعیانی قزوین تاثیر قابل توجهی نداشته است و مولدهای یاد شده در همان قالب گذشته پیش از تحول نظام‌ها کارکرد خود را حفظ نموده‌اند.

■ بحث و نتیجه‌گیری

نتایج تحقیق نشان می‌دهند تحول روابط سنتی میان زنان و مردان، به‌مرور به خانه کشیده شده و نظام‌های فعالیتی و فضایی خانه را نیز تحت تاثیر قرار داده است. تا پیش از عصر ناصری ویژگی دوگانه کردن زنان و مردان و معاشرت

آنان با همجنس‌انشان (که تحت تاثیر فرهنگ عمومی و جا افتاده در ایران بود) در طبقات مختلف اجتماعی اعم از درباریان، اعیان‌ها و مردم عامه بر قرار بوده و موجب تفکیک فضاهای خانه به دو بخش اندرونی و بیرونی و زنانه-مردانه کردن نظام فضایی خانه‌ها گشته بود؛ بدین ترتیب اغلب فعالیت‌های زنان در اندرونی و مردان در بیرونی باهمراهی همجنس‌انشان انجام می‌پذیرفت. بخش ویژه زنان در خانه، اندرونی بوده که در منابع از آن «زنانه» نیز یاد کرده‌اند. آنجا محل انواع فعالیت‌ها نظیر مهمانی‌های زنانه بدون حضور مردی بوده و خدمه تحت فرمان زنان نیز از همجنس‌انشان بودند. مردان غریبه درحالی که به‌هیچ وجه اجازه حضور در اندرونی را نداشتند اما می‌توانستند جهت مرادوات و فعالیت‌های اقتصادی در بخش «مردانه» یا همان بیرونی با مرد خانه ملاقات بکنند. پس از عصر ناصری با تحول فرهنگ روابط میان زنان و مردان در جامعه، به‌مرور در نظام‌های فعالیتی و فضایی خانه نیز مرزهای زنانه-مردانه کمرنگ شده است. مردان می‌توانستند در مهمانی‌های رسمی با زنان خارجی ملاقات کنند و از آن طرف زنان دربار و اعیانی در عمارت‌های خود با مردان دیدار می‌کردند. اجازه حضور مردان غریبه در اندرونی، این فضا را از حالت صرفاً زنانه خارج کرد و در ادامه این روند برخی فعالیت‌های کاری مرد خانه نیز به اندرون کشیده شد. بیرونی خانه که از اصلی‌ترین فضاها به‌شمار می‌رفت با انجام فعالیت‌ها و ملاقات‌های مرد خانه در اندرونی، به‌مرور متروک و یا تغییر کاربرد دادند. در بررسی نظام فعالیتی، توجه به این نکته ضروری است که فعالیت‌های خانگی در طول دوره سنتی قاجاری، به‌طور پیوسته به شکل جمعی انجام می‌شده و حتی با تحول روابط فرهنگی زنان و مردان، جمعی بودن اغلب فعالیت‌ها در درون خانه‌ها همچنان ادامه یافته، اما با این تفاوت که فعالیت‌هایی توسط زنان با همجنس‌انشان در اندرونی انجام می‌شده پس از این تحولات فرهنگی، با همراهی مردان محرم و یا خدمه معتمد خانواده انجام می‌شده است.

تحولات گفتمان جنسیتی اگرچه موجب تحولات چشمگیر در نظام فعالیتی خانه گشت اما با توجه به ملاحظات و محدودیت‌های ساخت و ساز در دوره قاجار، نظام فضایی خانه به سرعت نظام فعالیتی تغییر نکرد. چنانکه بررسی فضاهایی نظیر بیرونی و حیاط و عناصری مثل هشتی، نشان می‌دهند آن‌ها همچنان پس از تحولات فرهنگ روابط میان زنان و مردان باقی ماندند؛ اگرچه گاهی تغییر کاربری دادند (مثل برخی بیرونی خانه‌ها که به بارانداز یا انباری تبدیل شدند و یا هشتی با اعواجی که داشت تا پیش این تحول فرهنگی در تعریف حریم اندرونی و بیرونی، مانع دید مستقیم به اندرونی می‌گشت پس از عصر ناصری بیشتر در نقش عنصر تقسیم‌کنندگی فضا ادامه حیات یافت) و گاهی نیز متروک شدند (نظیر برخی حیاط‌های بیرونی و فضای مسقف آن‌ها).

تحول نظام فعالیتی موجب گردید برخی نیازهای فضایی از میان برود؛ مثل عدم نیاز به حضور خواجهگان و فضای زندگی آنان، استقلال فرزندان متاهل و استقرار آنان در خانه‌ای مجزا، امکان حضور مردان در اندرونی و لازم نبودن بیرونی. بدین ترتیب کاهش نیاز به فضاها زمینه کوچک شدن خانه را فراهم کرد و در سال‌های نخست قرن ۱۴ شمسی خانه‌هایی با مساحت‌ها و ریز فضاهای کمتر ایجاد شدند.

در بررسی انعطاف‌پذیری خانه‌ها، نظام‌های فعالیتی و فضایی که پیش از تحول گفتمان جنسیتی، مولدهای انعطاف‌پذیری داشته‌اند در دوره پس از تحولات نیز کارکرد خود را حفظ نموده‌اند. به‌عبارتی نیازهای ساکنان خانه‌های اعیانی قاجاری حتی با تحولات روابط میان زنان و مردان در میانه آن دوران کماکان باقی‌مانده است و این تحولات، دستکم در دوره قاجار نتوانسته تغییر واضحی در نیازهای ساکنان خانه‌ها ایجاد نمایند. با این همه «تنوع‌پذیری» و «تطبيق‌پذیری» بیش از «تغییرپذیری» در مولدهای انعطاف‌پذیری نمود می‌یابند. این از آن‌روست که تغییر اندازه نقشه که با تغییرپذیری خانه تعریف می‌شود گفتمان جنسیتی جایی ندارد و متاثر از آن

نیست. همچنین در میان نموده‌های انعطاف‌پذیری، تنوع‌پذیری و تغییرپذیری تحت تاثیر گفتمان جنسیتی و بدون تاثیر از این گفتمان (جدول ۳) هر دو نظام‌های فعالیتی و فضایی مشابهی را پوشش می‌دهند. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت گفتمان جنسیتی، تنوع‌پذیری و تغییرپذیری خانه‌ها را به‌طور کامل پوشش می‌دهند.

در بررسی خانه‌های قزوین می‌توان چنین بیان نمود که چند سالی پس از سلطنت ناصرالدین‌شاه قزوین وارد مرحله جدیدی از روابط زنان و مردان بایکدیگر گردید. انقلاب مشروطه و حضور زنان در جامعه، تاسیس و الگوبرداری‌های سطحی از برخی نهادهای فرهنگی در قزوین نظیر شهرداری و سوادآموزی رسمی زنان در مدارس که با آن می‌توانستند از منابع مکتوب فرهنگی مطلع شوند از دیگر وقایع مهم بر تحول گفتمان جنسیتی در قزوین می‌باشد. در چنین شرایطی مرزبندی کالبدی خانه برای جدایی زنان و مردان از یکدیگر کمرنگ شد و اگرچه تا آن زمان کالبد نظام فضایی خانه که برپایه جدایی زنان و مردان ساماندهی شده بود و تا چند دهه باقی مانده، اما تحولات فرهنگی در عصر ناصری، این نظام را تحت تاثیر قرار داده و به‌مرور در دوران بعدی، در طراحی نظام فضایی خانه‌ها نیز حضور زنان و مردان در کنار یکدیگر در نظر گرفته شد.

نکته دیگر آنکه لزوم تغییرات کوتاه‌مدت (شبانه‌روزی) و میان‌مدت (فصلی) در نظام‌های فعالیتی و فضایی خانه‌های اعیانی قزوین برای رفع نیازهای ساکنین نیز بیش از نیاز به تغییرات بلندمدت (سالانه) اتفاق افتاده است. بنابراین گفتمان جنسیتی، نیاز به تغییرات کوتاه‌مدت و میان‌مدت ساکنین را در نظام‌های فعالیتی و فضایی تحت پوشش قرار می‌داده‌اند.

همچنین به‌نظر می‌رسد تحولات گفتمان جنسیتی، نظام‌های فعالیتی و فضایی خانه‌ها را محدودتر کرده اما این محدودیت، خللی بر مولدهای انعطاف‌پذیری آن‌ها وارد نکرده است. به‌عبارتی می‌توان چنین نتیجه گرفت که گفتمان جنسیتی، مولدهای انعطاف‌پذیری خانه‌های قبل و بعد از تحول گفتمان جنسیتی (دوران قبل و پس از ناصری) را پوشش می‌دهد.

پی‌نوشت

۱. از جمله اقدامات نوظهورانه عباس‌میرزا می‌توان به اعزام دانشجو به خارج، استخدام رایزن نظامی از اروپا و نوسازی قشون و اقداماتی از این دست اشاره نمود (علیزاده بیرجندی، ۱۳۹۱، ۱۵).

2. life style

3. Homoeroticism

4. Masqueraded Hetero-Eros

5. Hetero-Socialization of Public Space

۶. به‌معنی قابلیت استفاده‌های مختلف از فضا در یک زمان و یا زمان‌های مختلف به‌صورت روزانه و کوتاه‌مدت و بدون تغییر اندازه فضا می‌باشد (عینی‌فر، ۱۳۸۲، ۶۲).

۷. به معنی قابلیت هماهنگ شدن فضا بدون تغییر مساحت خانه و صرفاً با تغییر عناصر درون خانه یا تعویض فضاهای مختلف برای تحقق انواع فعالیت‌های شبانه‌روز و یا فصلی می‌باشد (عینی‌فر، ۱۳۸۲، ۶۳).

۸. تغییر اندازه خانه به‌شکل گسترش افقی یا عمودی آن و یا تفکیک فضاها بدون تغییر مساحت، رویکرد سازگاری به تغییرات در بُعد خانواده است که در صورت داشتن قابلیت تغییرپذیری خانه محقق می‌شود (عینی‌فر، ۱۳۸۲: ۶۳؛ کیانی و سلطان‌زاده و حیدری، ۱۳۹۸: ۶۵).

۹. با توجه به فاصله زمانی اکنون تا دوران قاجار و نیز منابع محدودی که پیرامون فعالیت‌های رایج در خانه‌های قزوین وجود دارد، تشریح این فعالیت‌ها از میان مصاحبه‌های عمیق با نوادگان خانواده‌های اعیان قزوین و منابع تاریخی دست اول یا دوم صورت پذیرفته است. لذا فعالیت‌های خانگی ذکر شده در این بخش، پس از جمع‌بندی منابع یاد شده تشریح شده است.

۱۰. ابراهیم یزدی (۱۳۹۶، ۲۹) در توصیف خانه پدری مادرش نوشته است: "هنگامی که آیت‌الله کاشانی را به قزوین تبعید کردند، ایشان با تصمیم اهالی قزوین در منزل پدری بزرگ مادری ما مستقر شده بود". بدین ترتیب می‌توان گفت خانه‌های پس از ناصری نیز در برابر تغییر تعداد افراد خانواده انعطاف‌پذیر بودند.

فهرست منابع

- اتحادیه (نظام مافی)، منصوره و فرمان، بهمن. (۱۳۹۱). *حکایت یک زن در زیرویم روزگار*. زندگینامه عزت‌السلطنه نظام مافی (فرمانفرم‌نویان). تهران: نشر تاریخ ایران.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان. (۱۳۵۰). *روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه*. با مقدمه افشار. تهران: امیرکبیر.
- بنجامین، اس. جی. دلبیو. (۱۳۹۱). *ایران و ایرانیان در عصر ناصرالدین‌شاه، خاطرات نخستین سفیر ایالات متحده آمریکا در ایران*. ترجمه: محمد حسن کردبچه. تهران: انتشارات اطلاعات.
- پرهیزکاری، مهرزاد و محمدزاده، محمد نادر. (۱۳۸۵). *یادگار ماندگار*. قزوین: اداره کل میراث فرهنگی و گردشگری استان قزوین.
- پیرنیا، محمد کریم. (۱۳۷۸). *تحقیق در گذشته معماری ایران*. تدوین: غلام‌حسین معماریان. تهران: دانشگاه علم و صنعت.
- چگینی، فتنه. (۱۳۸۹). *شناخت، مستندسازی و آسیب‌نگاری خانه سید محمود بهشتی*. سازمان میراث فرهنگی و صنایع دستی و گردشگری.
- خامنه‌زاده، حنا. (۱۳۹۶). *مفهوم خلوت و چگونگی تحقق آن در زیست-جهان خانه ایرانی*. مطالعه تطبیقی آن در خانه ایرانی ماقبل مدرن و خانه مدرن ایرانی. *باغ‌نظر*، ۱۴(۴۹)، ۴۰-۳۱.
- دبیرسیاقی، سیدمحمد. (۱۳۸۱). *سیر تاریخی بناهای شهر قزوین و بناهای آن، از آغاز تا سال ۱۳۲۰ ه.ق.* با فهرست و نقشه‌ها و تصاویر. قزوین: سازمان میراث فرهنگی کشور، حدیث امروز.
- دلریش، بشری. (۱۳۷۵). *زن در دوره قاجار*. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- دیولافوا، مادام. (۱۳۹۰). *سفرنامه مادام دیولافوا*. تهران: دنیای کتاب.
- زندیه، مهدی و اقبالی، سید رحمان و حصاری، پدram. (۱۳۹۰). *روش‌های طراحی مسکن انعطاف‌پذیر*. نقش‌جهان، ۱(۱)، ۱۰۵-۹۵.
- سلطان‌زاده، حسین. (۱۳۷۲). *فضاهای ورودی در معماری سنتی ایران*. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- سلطان‌زاده، حسین. (۱۳۸۳). *طراحی محیط در معماری ایرانی*. فصلنامه معماری و فرهنگ، ۱۳(۲۱)، ۱۸۹-۱۹۵.
- سلطان‌زاده، حسین. (۱۳۹۶). *خانه در فرهنگ ایرانی*. مفاهیم و بعضی از کاربردها. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی، چاپ اول.
- سیدین، سید امین و علی‌مقدم، کسری. (۱۳۹۴). *تاثیر بلندمرتبه‌سازی بر انعطاف‌پذیری محیط و پایداری آن*. آرمان‌شهر، ۸(۱۵)، ۲۴۳-۲۳۵.
- شهیدی، حسام و خانم میرمیران. (۱۳۹۷). *مصاحبه عمیق با نگارندگان*. قزوین.
- شیرخورشیدی، عفت‌السادات. (۱۳۹۷). *مصاحبه عمیق با نگارندگان*. قزوین.
- عاملی رضایی، مریم. (۱۳۸۹). *سفر دانه به گل (سیر تحول جایگاه زن در نثر دوره قاجار ۱۳۴۰-۱۳۱۰ ق.)*. تهران: نشر تاریخ ایران.
- علیزاده بیرجندی، زهرا. (۱۳۹۱). *حکومت ناصری و گفتمان نو*. تهران: انتشارات هیرمند.
- عینی‌فر، علیرضا. (۱۳۸۲). *الگویی برای تحلیل انعطاف‌پذیری در مسکن سنتی ایران*. هنرهای زیبا، ۱۳: ۷۷-۶۴.
- غروی‌الخوانساری، مریم. (۱۳۹۰). *تعامل پایایی و پویایی در انعطاف‌پذیری اثر معماری یا تحلیل نمونه‌هایی از مسکن انعطاف‌پذیر معاصر*. استاد راهنما: علیرضا عینی‌فر، استاد مشاور: مهدی حجت، پایان‌نامه دکتری. دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران، تهران.
- غفوریان، میترا و آقایی، سپیده. (۱۳۹۶). *بازشناسی و اولویت‌بندی معیارهای انعطاف‌پذیری در طراحی مسکن آپارتمانی ایران*. صفحه، ۲۶. ۴۱-۶۴.

- کولیور رایس، کلارا. (۱۳۸۳). *زنان ایرانی و راه و رسم زندگی آنان*. ترجمه: اسدالله آزاد. تهران: نشر کتابدار.
- کیائی، مهدخت و سلطانزاده، حسین و ارمغان، مریم و حیدری، علی اکبر. (۱۳۹۸). *بازتاب تحول گفتمان جنسیتی دوره قاجار بر نظام‌های فعالیتی و فضایی خانه‌های اعیانی (مطالعه موردی: خانه‌های اعیانی قزوین)*، پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران، (۱) ۸، ۷۳-۵۱.
- کیائی، مهدخت و سلطانزاده، حسین و حیدری، علی اکبر. (۱۳۹۸). *سنجش انعطاف‌پذیری نظام فضایی با استفاده از تکنیک چیدمان فضا (مطالعه موردی: خانه‌های شهر قزوین)*. باغ نظر، (۷۱) ۱۶، ۶۱-۷۶.
- محتشم، آرزو و حمزه‌نژاد، مهدی. (۱۳۹۴). *تبیین ابعاد حریم در روابط فضاهای داخلی مسکن ایرانی اسلامی*. صفه، (۷۱) ۲۵، ۶۶-۵۱.
- مستوفی، عبدالله. (۱۳۷۱). *شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه: از سلطنت مظفرالدین شاه تا قرارداد وثوق الدوله با انگلیس*. تهران: انتشارات زوار، جلد دوم، چاپ سوم.
- مستوفی، عبدالله. (۱۳۸۴). *شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه*. تهران: انتشارات کتابهای هرمس، چاپ اول.
- میرزازاده نیارق، مریم و بمانیان، محمدرضا. (۱۳۹۴). *طراحی انعطاف‌پذیر در خانه‌های مسکونی*. همایش ملی عمران و معماری با رویکردی بر توسعه پایدار.
- نجم‌آبادی، افسانه. (۱۳۹۷). *زنان سیبیلو و مردان بی‌ریش: نگرانی‌های جنسیتی در مدرنیته ایرانی*. ترجمه: آتنا کامل و ایمن واقفی. تهران: تیس، چاپ چهارم.
- یزدی، ابراهیم. (۱۳۹۶). *شصت سال صبوری و شکوری (خاطرات دکتر ابراهیم یزدی)*. تهران: کویر، چاپ سوم.
- یزدی، محمد حسین. (۱۳۹۷). *مصاحبه عمیق با نگارندگان*. قزوین.
- Schneider, Tatjana & Till, Jeremy. (2005). *Flexible Housing: The Means to the End*. In Archit. Res. Q. Oxford, United Kingdom: Architectural Press. 9 (3, 4), 287-296.
- Mahdavi, Shereen. (1999). *The Structure and Function of the Household of a Qajar Merchant*. *Iranian Studies*. 32(4), 557-571.
- Wieland, Andreas & Wallenburg, Carl Marcus. (2012). *Dealing with Supply Chain Risks: Linking Risk Management Practices and Strategies to Performance*. *International Journal of Physical Distribution & Logistics Management*. 42. 887- 905.